

عوامل ارتکاب جرم و خطای جوانان و اطفال چیست؟



راه پیشگیری از ارتکاب جرائم

خیابان، گمراه مجرمین خردسال و جوان!

در مقاله زیر، عوامل جرم و خطای جوانان و خردسالان بر زبان ساده تجزیه و تحلیل شده است. کوشش ما آنستکه پدران و مادران را از عمق پرتگاههای اجتماعی که فراراه کودکان آنها نهاده شده است، آگاه سازیم.

آمار جرائم در میان جوانان و خردسالان روز بروز افزایش مییابد. تعداد زیادی از پرونده‌های دادگستری را جرائم اطفال و جوانان کمتر از ۱۸ سال بوجود می‌آورد. ستونهای روزنامه‌ها پر از اخباری است که از دزدی، قتل و جنایت مجرمین جوان پرده بر میدارد. راستی علت این مصیبت اجتماعی که اینک دامنگیر ملت ماست، و هر روز افزایش مییابد، چیست؟ چرا باید جوانان بجای مدرسه، در زندان بسر برند و از آغوش گرم خانواده بیخایان و کوچه پناهنده شوند؟

از: دکتر علی الله همدانی

خانوادگی و سپس محیط خارج یعنی خیابان، مدرسه و نفری حکامها میبیرد ازیم.

الف - محیط داخلی خانواده :

۱ - آشفتگی محیط خانه - محیط

خانواده که اولین بنای تربیت کودک در آن نهاد میشود، نقش عمده‌ای در اخلاق و عادات و رفتار آینده‌وی خواهد داشت. زیرا کودک نیز مانند هر موجود انسانی تحت تأثیر عمیق محیط خود قرار میگیرد و مخصوصاً محیط خانواده تأثیر غیر قابل احترازی بر وی مینهد. بموجب آمارهای که از کشورهای گوناگون بدست آمده است، ثابت شده است

بطور کلی عواملی که سبب ارتکاب جرائم و خطاهای جوانان و اطفال میگردد بدو دسته تقسیم میشوند :

عوامل اجتماعی و عوامل زیست - شناسی و بدنی :

عوامل اجتماعی

در بیان علل و عوامل اجتماعی ارتکاب جرم بوسیله جوانان و اطفال، بیحد در باره محیط

میگیرند و از محیط خانواده، به بهانه اجتماع میگریزند،

۲ - شرائط مسکن :

متأسفانه در طبقات محروم اجتماع، شرائط مسکن بسیار ناراحت کننده و بد است، اولیاء اطفال غالباً در خانه های کثیف و با اطاق های فاقد شرائط لازم زندگی میکنند زندگی پدر و مادر بسیار اطفالشان در یک باب اطاق و آنهم با شرائط نامساعد، تأثیر ناشایستی بر جوانان و اطفال می نهد و غالباً سبب سقوط اخلاقی آنان میگردد، تا آنجا که تنها آرزوی جوانان فرار از چنین محیطی است.

۳ - شغل اولیاء کودک :

شغل و حرفه اولیاء کودکان نیز تأثیر عمده ای در اخلاق و رفتار آنان و با الطبع در ارتکاب خطا و جرم آنها دارد و آمار نشان داده است که غالب کودکانی که مرتکب خطائی میشوند، متعلق به خانواده هایی هستند که سرپرست آن کارگر ساده و یا کارگری است که از صبح تا شام مجبور به کار بوده است. زیرا پدر و مادری که تمام روز را در کمال سختی کار میکنند و درآمدشان ناچیز است، مسلماً نه وسیله و نه وقت پرداختن بکودک خود و تربیت و تعلیمی را خواهند داشت. بیکاری نیز خود از عوامل زیان بخشی است که در کودکان آثار پدی از خود بجای مینهد. بطور کلی، میتوان گفت که شرائط اقتصادی اهمیت فوق العاده ای در این زمینه دارد و آثار ثابت کرده است که طبقاتی که احتیاج مبرمی بیول داشته اند بدون هیچگونه شک و تردیدی، بیشتر بر اخطا و ارتکاب جرم کشانیده شده اند.

ولی ضمناً باید توجه داشت که بیکاری و بندی وضع اقتصادی، عامل کافی برای ارتکاب جرائم نیست زیرا اکثریت خانواده های تهیدست، کودکانی شریف و مفید بحال جامعه پرورش داده اند بنا بر این نبایستی در تفسیر نقش عوامل اقتصادی دچار خطا شویم.

ب - محیط خارجی : خیا بانها - سینماها

اگر کودک، محیط امن و مناسبی در خانه نداشته و یا خیار نباشد، خواه ناخواه سعی میکند آنرا ترک گفته و بجای دیگری پناهنده شود زیرا چنانکه

که اطفالی که مرتکب خطا و تقصیر میشوند غالباً از اعضای خانواده هایی هستند که اساساً سطح اخلاقی آنان خیلی پائین است.

بموجب مطالعاتیکه که دکتر مونت meunt در باره ۸۳۹ کودک بعمل آورده است، ۶۵٪ کودکان مجرم جزء خانواده هایی بوده اند که اساس آنها در هم پاشیده شده و پدر و مادر آنان يك ديگر را ترك گفته اند. آماري که در بيليك در همین زمینه تهیه شده است، نشان میدهد که از میان ۴۲۲۱ کودک خطاکار، ۱۶۰۷ نفر اطفالی بوده اند که یا پدر و مادر نشان خانه های خود را ترك گفته بوده اند و یا آنکه محیط خانوادگی آشفته ای داشته اند و ۱۲۱۰ نفر دیگر کودکانی بوده اند که کوچه و خیابان را بر محیط آشفته خانواده ترجیح داده اند و ۲۲۸ نفر از بقیه در نتیجه انحراف مادر و عدم لیاقت پدر، مرتکب خطاها و جرائمی شده اند.

هنگامیکه در شیکاگو و بوستون از ۲۰۰۰ کودک مجرم، محاکمه بعمل میآمد، معلوم شد که ۴۵٪ آنها در خانواده های آشفته حال و پریشان وضعی میزیسته اند.

آمار نشان داده است که محیط آشفته خانواده، تأثیر مستقیمی بر کودکان باقی میگذارد. خانواده هایی که حسن تفاهم و رفاه نمادی ندارند، صاحب کودکانی هستند که از لحاظ معنوی و اخلاقی در سطح نازلی قرار دارند. این قبیل کودکان از سلامت روح و نفس و تربیت صحیح محرومند. اینان از اطفال کوچه و خیابان، تربیت غلط و تازه ای را فرا میگیرند چه دیگر محیط خانواده بعلت آشفتهگی و اختلال و اجده صفات رهبری کننده و نیروی کافی نیست تا در شخصیت و روح آنان تأثیر لازم بگذارد، بلکه بر عکس بعلت تناقضات و مناقشات، کودکان با بخیابان و کوچه میروند و آنگاه خیا بان تربیت کودک را برهنده میگرد.

وضع کودکانی که نامادری و یا ناپدیری دارند نیز بهتر از این نیست زیرا شوهر مادر و یازن پدر محبتی که در باره کودکان اصلی خود روا میدارند، از آنان دریغ میورزند. حتی تا بر آذریها و ناخواهریها رفتارشان با چنین کودکانی ملاطفت آمیز و برادرانه و یا خواهرانه نیست. در خانواده های تهیدست و فقیر این قبیل کودکان راه دزدی و گدائی را در پیش

وجود دارد، در بلژیک، سوئیس و مخصوصاً در فرانسه ورود بسینما برای کودکان کمتر از ۱۲ سال ممنوع است.

علاوه بر آنچه بیان گردید، کتب و مطبوعات نیز تاثیر غیر مستقیم بر اطفال دارند زیرا انتشار عکسهای ناپسند و مطالب تحریک کننده و غیر اخلاقی، تاثیر بسیار شدیدی بر جوانان نهاده و آنان را بسوی اعمال زشت و ناهنجار سوق میدهد و متأسفانه جوانان درسینما معینی چنین کتب و مجلاتی بیشتر روی میآوردند.

اثری نامطلوب کتا بهای بد مخصوصاً در فرانسه و امریکا کاملاً مشهود است. در این کشورها تعداد خطاها و اعمال خلاف انسانی اطفال، چنان زیاد شده است که مقامات دولتی جداً تصمیم بدخالت گرفته و قوانین مخصوصی در زمینه کتب و نشریات روزانه و هفتگی تدوین نموده اند که هدف آن جلوگیری از چاپ عکسهای زنده و مقالاتی است که تاثیر نامطلوبی در جوانان مینماید.

عوامل جسمانی و زیست شناسی :

از نظر بعضی از نویسندگان و جرم شناسان، عوامل زیست شناسی و جسمانی نقش عمده ای در ارتکاب جرائم جوانان دارند. بعقیده لومبروزو Lombroso کودک مجرم همیشه فردی غیر عادی و با صفات و غرائز معینی است که پزشک قادر باصلاح آن نیست و نمیتواند آنرا تغییر دهد. (این نظریه امروز طرفدار ندارد) بعقیده نامبرده ریشه های جنون اخلاقی و ارتکاب جرائم نه تنها بنحو استثنائی، بلکه بنحوی طبیعی در سلالهای اولیه زندگی شخصی ایجاد میگردد.

ولی بنابعقیده بعضی از نویسندگان، مجرمین جوان از لحاظ جسمانی، دسته معینی را تشکیل نمیدهند و در حقیقت عوامل فیزیکی مخصوصی، عامل ایجاد و موجب افزایش جرم در میان جوانان نیست. در یک جامعه سالم و محیط خانوادگی که در آن حسن تفاهم وجود داشته باشد و تعلیم و تربیت صحیح، و حل درست عقده ها و ناراحتی های طفل زمینه ارتکاب جرم و خطا را از میان خواهد برد. اگر بتوان روح کودک را از وجود چنین عقده هایی پاک کرد، مسلماً نجات وی از ناراحتیهای بدی و ارتکاب خطاها نیز امکان پذیر خواهد بود. مجرمین جوان بطور کلی،

گفته شد، جنجال و زد و خورد های خانوادگی سبب میگردد که کودک از کانون خانواده گریخته و بنیایانها پناه برد و از همان هنگام، مجامع عمومی، محیط تربیتی کودک خواهد شد و تاثیر همگنان بد و اعمال ناشایست آنان و تأیلات جوانان به ارتکاب جرائم، وی را نیز بچنین اعمالی سوق میدهد.

در حقیقت، کودک در خیابانها و محافل عمومی تحت هیچگونه محافظت و مراقبتی قرار ندارد و مستقیماً در معرض هر گونه خطر ناشی از لوگردی قرار میگیرد و علاوه بر عدم مراقبت لازم، تأثیر معاشرت های زیان بخش با افراد ناپاب و آثار ناشایست کوچک و بازار، کافه رستورانها و غیره از عوامل بسیار مهمی بشمار میروند، زیرا چنین اطفالی که نه مدرسه میروند و نه کارسرتلی دارند، بیشتر از مشروب فروشها، و بارها و کاباره ها سردر میآوردند و آتسفر ناسالم اینگونه اماکن و دوستان ناپسند و راهنما نیهایی مضروب زیان بخش، آنها را به اعمال خلاف اخلاقی می کشاند.

علاوه بر محیط کوچک و خیابان، سینماها

نیز نقش مهمی در کشاندن جوانان به اعمال زشت و ناپسند دارند. تعداد زیادی از معلمین، روانشناسان و قضات که در این زمینه مطالعاتی نموده اند، بعضی آثار سینمایی را از مهمترین علل ارتکاب جرائم جوانان دانسته اند، چنانچه شارل کولارد Charles Kaulard قاضی معروف ژنومیکوید سینما امروز یکی از عوامل سقوط جوانان و از علل ارتکاب جرائم آنها شده است زیرا بعضی از آثار سینمایی جنایت را تلقین نموده و مسائل ارتکاب آنرا با افراد میآموزد و سطح اخلاق نسلهای جدید را پائین میآورد.

چگونه میتوان جوانان را از آمار زیان بخش فیلمها و سینماها برکنار داشت؟ برای مبارزه با آثار ناشایست سینما، بایستی مقرراتی در زمینه ورود اطفال بسینما یا تئاتر و غیره وضع گردد و بعضی از فیلمها را برای جوانان منع کنند و از ورود اطفال تاسن معینی بسینما جلوگیری بعمل آورند. در غالب کشورها مقرراتی در این زمینه

سفلیس

سفلیس یکی از عوامل ارثی است که در نژاد انسان تاثیر مینهد، چنانکه تعداد زیادی از کودکان مجرم، آنها هم هستند که مبتلا به سفلیس ارثی بوده اند.

دکتر هوپر Hoyer در مطالعاتی که راجع به اطفال غیر طبیعی و ارتکاب جرم در میان آنان بعمل آورده است، میگوید، سفلیس ارثی با انواع مختلفی که دارد تاثیر زیادی در ابتلاء کودکان به جنون و غیر طبیعی بودن آنان مینماید و اضافه میکند که «در جریان تحقیقاتی که در این مورد بعمل آمده است نشان مینهد که آثار ارثی الکل در بعضی موارد ۵۰ درصد و آثار سل ارثی و سفلیس ارثی تقریباً ۲۵ درصد بوده است.»

سل:

سل پدر و مادر، در بسیاری از موارد در سلامت طفل نیز تاثیر نموده و نتیجتاً بصورت سل ارثی، ناراحتیها و امراض فراوانی برای وی پدید میآورد و متأسفانه باید گفت که این امر در طبقات پایین جامعه که غالب جوانان مجرم نیز از میان آنان برخاسته اند، زیاد دیده می شود.

سل علاوه بر اثر مستقیمی که ممکن است به سلامت جوانان داشته باشد، بطور غیر مستقیم، ضمن ضعیف نمودن نیروی بدنی در وضع سلامت کودک نیز اثر می نهد.

ج - عیوب مغزی

عیوب مغزی معمولاً آثار روحی شدیدی از خود بجای میگذارد، بخصوصی که پدر و مادری که مغزشان معیوب است، نخواهند توانست اطفال خود را بخصوصی تربیت نمایند بنا بر این میتوان گفت عیوب مغزی از لحاظ ارثی مورد توجه قرار نگرفته و نمیتوان آنرا بعنوان عامل موروثی بشمار آورد.

آقای فری (Ferry) که سالها، قاضی اطفال بوده است، مطالعات زیادی در این زمینه بعمل آورده و اعتقاد دارد که محیط اجتماعی و مخصوصاً، محیط تربیتی خراب و فاسد، که محصول عیوب مغزی پدر و مادر است، سرانجام سبب ناراحتی اخلاقی و جرائم جوانان می گردد و بارها اتفاق افتاده است که همین

افرادی عادی هستند که تنها از لحاظ تربیت قدری عقب مانده ترند و آموزش مناسب و موقع ممکن است آنان را از انحرافی که بدان دچار گردیده اند نجات بخشد.

هر گاه چنین کودکانی در نتیجه تاثیر امراض از قبیل سل، سفلیس و غیره مرتکب جرائمی گردند نباید آنانرا به موسسات تنبیهی و زندانها اعزام داشت بلکه برعکس باید به موسسات بهداشتی فرستاده و یا تحت مراقبت دقیق پزشکان، بمعالجه آنان پرداخت.

الف - الکلیسم:

الکل سمی است که نه تنها بر افرادی که آنرا می آشامند بلکه بر فرزندان آنان نیز تاثیر زین بخشی مینهد.

الکل مراکز اعصاب، قلب و مغز را فاسد نموده و آثاری از قبیل جنون، ناراحتیهای مغزی و دماغی بجای می نهد.

این آثار در اطفالی که از پدر و مادر الکلی بوجود میآیند نیز مشهود میافتد، این قبیل کودکان غالباً کورن و غیر طبیعی و یا مبتلا به ناراحتیهای مغزی هستند.

الکلیسم علاوه بر آثار جسمانی نامساعدی که ببار میآورد، از لحاظ اجتماعی نیز محیط مسمومی برای اطفال ایجاد مینماید، چنانکه هر گاه در خانواده ای، فردی معتاد با الکل وجود داشته باشد، محیط خانوادگی مسموم بوده و مانع رشد و ترقی آنی فرزندانش خواهد گردید زیرا آرامشی که لازم مرشد فکری کودک باشد، در چنان محیطی وجود ندارد. اعتیاد به الکل معایبی را ببار میآورد که شرح آن یا اختصار آمد.

الکلیسم اجداد و یا مادر بندرت اثرات زیان بخشی، در مجرمیت اطفال داشته است. چنانکه از ۳۰۰ پرونده ای که در این خصوص مورد مطالعه قرار گرفته است ۲۱ درصد به دائم الخمر بودن پدر و ۳ درصد به اعتیاد مادر و در سایر موارد به عوامل دیگر مربوط بوده است.

ب - امراض:

ابتلاء به بعضی امراض موجبات خطاکاری و ارتکاب جرم را در جوانان پدید میآورد، مهمترین این امراض سفلیس و سل میباشد.